

Women's Health Education; Formal Training system of women in Iran before Mashrootiat Revolution till 1298 A.H. that the First School of Midwifery was Founded

ARTICLE INFO

Article Type

Historical Original Research

Authors

Karimian A.* MSc

How to cite this article

Karimian A. Women's Health Education; Formal Training system of women in Iran before Mashrootiat Revolution till 1298 A.H. that the First School of Midwifery was Founded. Sarem Journal of Reproductive Medicine. 2017; 1(4):171-178.

ABSTRACT

Introduction Although with the onset of the activities of clinics in Tehran and major cities mortality was somehow reduced, still treating mother- and child-related diseases was affected by traditional medicine. Therefore, the need to promote general knowledge and modern education to traditional physicians was highly tangible to educated physicians and urged them to take urgent action to resolve this problem. In this way, three main educational approaches were chosen for different target groups: education and public awareness through publishing scientific and health articles in journals, the teaching of traditional physicians through the study of compiled and translated specialized books, and the inclusion of health education courses in elementary education. The author has been able to compile materials about the establishment of new schools and classical education through the materials contained in the archives and libraries of the country, especially the National Library of the National Documentation Center.

Conclusion Although a small number of national and state schools were established in Tehran and the center of the states for the education of girls before the Constitutional Revolution (Mashrootiat) with the assistance of the educators of that age, the need to promote the health knowledge, especially the health of mothers and children for educated physicians and midwives was essential. They tried to improve public health knowledge and public awareness of women via the modern education approach through: 1) scientific articles in journals, 2) compilation and translation of books, and 3) public education in schools; in the later years, these trainings lead to the establishment of the Higher School of Midwifery.

Keywords Education; Women Health; Traditional Medicine; Preventive Medicine; Midwifery

*Governmental Management Training Center, Tehran, Iran

Correspondence

Address: Sarem Women's Hospital, Basij Square, Phase 3, Ekbatan Town, Tehran, Iran. Postal Code: 1396956111

Phone: +98 (21) 44670888

Fax: +98 (21) 44670432
ali.karimian1342@gmail.com

Article History

Received: April 26, 2016

Accepted: October 6, 2016

ePublished: November 15, 2017

CITATION LINKS

[1] The history of military medicine [2] Initiation of IVF in Iran [3] Analytical report of 4 year performance: (on the occasion of the 70th year of establishment of the Terhran University of Medical Sciences 1935-2009) [4] Shokofeh Newspaper [5] Shokofeh Newspaper [6] Shokofeh Newspaper [7] Shokofeh Newspaper [8] Zadolmosaferin, Khergheh Bakhiyeh [9] TalimolGhavabel: Midwifery training in Qajar [10] Glimpses of life and manners in Persia [11] Constitutionalism in Iran [12] Iran Cultural Organization [13] Hamadan education in Iran's modern education system at beginning of the third period in Documents (1927-1993) [14] Modern Schools in Qajar era, Initiators and Pioneers [15] Economics of Education during the Pahlavi era [16] Ministry of Education [17] National Library and Archives of Iran. Accession No.297000369 [18] Sending students abroad in the Qajar period [19] National Library and Archives of Iran. Accession No.51008 [20] Some records on girl's schools from constitution to Pahlavi dynasty [21] Iran-e-no [22] Supreme Council meetings [23] The form of talks and meetings of the Supreme Council of the First Segment from 14 July to 72th session in 19 March 1927 [24] History of New Civilization Institutions in Iran [25] Life disasters

تعلیم حفاظالصحه نسوان (آموزش‌های رسمی بهداشت و سلامت زنان و دختران) قبل از انقلاب مشروطه تا تاسیس اولین مدرسه قابلگی در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی

علی کریمیان * MSc

مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: گرچه با شروع فعالیت درمانگاه‌ها در تهران و شهرستان‌های بزرگ کمابیش مرگ‌ومیر کاهش یافت، اما کماکان درمان بیماری‌های مادر و کودک دستخوش طب سنتی بود. از این رو ضرورت ارتقای دانش عمومی و آموزش‌های نوین به طب سنتی بر طبای سنتی بر طبای تحصیلکرده امری مبرهن و ملموس می‌نمود و آنان را به تکاپو واداشت تا اقدامی عاجل برای رفع این مشکل بنمایند. بدین ترتیب سه شیوه عمده آموزشی برای گروه‌های مختلف هدف برگزیدند که شامل: آموزش و آگاهی‌بخشی عموم از طریق درج مقاله‌های علمی-بهداشتی در نشریات، آموزش طب سنتی از طریق مطالعه کتاب‌های تخصصی تالیفی و ترجمه‌شده، و گنج‌آیدین دروس آموزشی بهداشت در مقاطع تحصیلات ابتدایی برای سوادآموزان بود. نگارنده در حد بضاعت توانست از طریق مطالب درج‌شده در منابع موجود در آرشیوها و کتابخانه‌های کشور، بلاخص کتابخانه ملی مرکز اسناد کشور، مطالبی درباره تاسیس مدارس نوین و آموزش‌های کلاسیک تدوین نماید.

نتیجه‌گیری: گرچه قبل از انقلاب مشروطیت تعداد بسیار اندکی مدرسه ملی و دولتی در تهران و مرکز ایالات برای آموزش دختران با همت معارف‌خواهان آن عصر تاسیس شد، ولی نیاز به گسترش دانش روز در امر بهداشت به‌خصوص بهداشت مادران و کودکان برای اطبا و ماماها تحصیل‌کرده ضروری می‌نمود و آنان برای ارتقای دانش بهداشت عمومی و آگاهی عموم نسوان با رویکرد آموزش‌های نوین از طریق: (۱) مقالات علمی مندرج در نشریات، (۲) تالیف و ترجمه کتاب و (۳) آموزش‌های عمومی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس جدید میادرت نمودند و این آموزش‌ها در سال‌های بعد زمینه‌ساز تاسیس مدرسه قابلگی و مدرسه عالی مامایی شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، سلامت زنان، طب سنتی، پزشکی پیشگیری، قابلگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۵

*نویسنده مسئول: ali.karimian1342@gmail.com

مقدمه

پزشکان فرانسوی‌ای که همراه ژنرال گاردان در سال ۱۲۲۳ هجری قمری / ۱۸۰۷ میلادی به ایران آمده بودند، نخستین "درمانگاه پزشکی" به معنای جدید را در تهران تاسیس کردند. در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۶۹ قمری، سه سال پس از ورود دکتر پولاک به ایران، با دستور شاه و کوشش دکتر پولاک، مریض‌خانه مخصوص دولتی، در قالب مریض‌خانه‌ای نظامی برای لشکریان، خارج از شهر تهران تاسیس شد. محل این بیمارستان خارج دروازه دولت بود؛ از بدو تاسیس، این مریض‌خانه مکانی برای آموزش محصلان شعبه دارالفنون بود و سال‌ها تحت نظر حکیم‌باشیان نظامی اداره می‌شد^[۱].

اما در موضوع شیوه آموزش طب و بهداشت که موضوع این مقاله است، پرواضح است که قبل از تاسیس دارالفنون شیوه آموزش حرفه‌ها و همچنین طبابت به‌صورت شاگرد-استادی بود و کارآموزان پس از طی دوره مقدماتی در مطب یا محکمه طبابت معروف، طبابت را صرفاً به‌شکل عملی می‌آموختند. در سال ۱۲۶۸ قمری / ۱۸۴۹ میلادی، با تاسیس دارالفنون، طب به‌تنهایی یکی از ارکان دارالفنون بود و به‌عنوان رشته‌ای جداگانه، در جایگاه یکی از

دروس اصلی آموزش در نظر گرفته می‌شد. نخستین دوره فارغ‌التحصیلان کلاس طب، پس از سال ۱۲۷۳ قمری / ۱۲۳۵ شمسی / ۱۸۵۶ میلادی، شروع به کار کردند. مدرسه طب دارالفنون را شاید بتوان نخستین مدرسه عالی جدید ایران به‌شمار آورد. در آن زمان دروس رشته طب به سه دسته مجزا تقسیم می‌شد که شامل طب ایرانی، طب اروپایی و طبیعیات و داروسازی می‌شد. بدین ترتیب علوم طبیه ایران حیاتی تازه یافت؛ مریض‌خانه‌های دولتی تاسیس شدند و محصلان عملاً با طب جدید آشنا شدند (تصویر ۱).



تصویر ۱) تصویر فخرالاطباء از طبای آشنا با طب اروپایی

شعبه‌ای برای تربیت قابله‌ها و طبیبه‌ها در مریض‌خانه دایر شد، ولی آغاز به کار آن تا مدتی معوق ماند^[۲]. در سال ۱۲۹۷ شمسی / ۱۹۱۸ میلادی رشته طب از دارالفنون جدا شد و به‌صورت مدرسه مستقلی درآمد و رییس و محل جداگانه‌ای را به آن اختصاص دادند^[۳]. تا پیش از این، شایع‌ترین راه تعلیم طب سنتی در محکمه (مطب) طبابت حاذق بود، آموزش نسوان هم توسط معلمان سرخانه و در مکتب‌خانه‌ها بود. در زمان مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۴-۱۳۲۴ قمری) وضعیت آموزش دگرگون شد و تا اندازه‌ای از شکل سنتی به کلاسیک تغییر یافت و مدارس تحت نظارت وزارت علوم تاسیس شدند. علاوه بر آنچه که گفتیم عوامل دیگری نیز در آموزش متصدیان حرفه طب و طب زنان در شکل سنتی‌اش، نقش اساسی داشتند که در این مقاله سعی شد به نقش آموزشی و تاثیر آن در ارتقای دانش بهداشت عمومی، از طریق (۱) مقالات علمی مندرج در نشریات، (۲) تالیف و ترجمه کتاب‌های راهبردی و (۳) آموزش‌های عمومی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس نوین بپردازیم.

حفظ‌الصحه خواتین

بقای نوع انسان و تکثیر افراد انسان و هیات اجتماعی آن و آسایش و آرایش ایشان بسته است به وجود زن‌ها، زیرا که افراد انسان زیاد نمی‌شود مگر به نوالد و تناسل، و جزء عمده نوالد و تناسل بر عهده زن‌ها می‌باشد، که هم باید نه ماه در شکم نگاه دارند و دو سال شیر بدهند و هفت سال در مقام تربیت و نگاهداری برآیند و هرگاه در یکی از آنها تقصیری و قصوری شود، نسل منقطع و اولاد به ثمر نمی‌رسد. پس باید خانم‌ها در این ازمنه ثلاثه که زمان حمل و رضاع و تربیت نوباوگان است، کمال اهتمام در حفظ‌الصحه و سلامتی مزاج و نگاهداری از خودشان داشته باشند، در نهایت صحت بوده باشند. چه بسیار از زنان پرنیبه و سالمه که در ایام حمل از صحت منحرف شده و به امراض خطیره گرفتار و به‌واسطه عدم ملاحظه و عدم مساعدت شوهران و حفظ‌الصحه، جان عزیزشان و اطفال بی‌گناه را بر سر این کار گذاشتند. به تاریخ ششم شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۱ قمری^[4]؛ (تصویر ۲).



تصویر ۲) زن در دوره قاجاریه

"هرگاه مردان می‌دانستند که چقدر زحمت و صدمه و مشقت، زنان در ایام حمل دارند، البته خیلی در ایام حمل ملاحظه از هر جهت در حق آنها می‌کردند، ولی چه فایده که هیچ خبر ندارند. خیلی تعجب است از بداخلاقی بعضی از مردهای بی‌ملاحظه که در ایام حمل با زن‌ها نزاع و دعوا می‌کنند و کتک می‌زنند و بد می‌گویند و اسباب اراضات نفسانی خانم‌های حامله می‌شوند. چه بسیار دیده شده که مرد، زن را در ایام حمل صدمه و کتک زده و همان، اسباب سقط جنین شده و طفل معصوم و مادر هر دو مرده‌اند. زنان همیشه محل ملاحظه‌اند، مخصوص در ایام حمل و زمان رضاع در دُول متمدنه تربیت‌شده، زنان حامله از خیلی از زحمات و کارها معاف هستند و نهایت دقت را در حفظ صحت و راحت آنها می‌نمایند، حتی آنکه هرگاه کسی با زن حامله طرف نزاع و ادعا باشد، حکومت ادعای طرف را تا مدتی توقیف می‌نماید، مبدا اسباب زحمت و اعراض آن زن شود. هرگاه بخواهیم نسبت بدیهیم امراض مردها را با امراض زنان البته یک ثلث امراض زنان زیادت است از امراض

شرح متن

در گام نخست برای پرداختن به موضوع نشریاتی که در مقوله آموزش سلامت زنان منتشر شده‌اند، باید اشاره کنیم که در ابتدا، با آغاز عصر جدید و رونق و توسعه چاپ کتاب و روزنامه‌ها و مجلات، تنها در گوشه‌ای از محتویات نشریات به‌طور غیرمستقیم به مطالبی از امر آموزش سلامت زنان پرداخته‌اند. چنانچه میراث مکتوب آن عصر را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که کمتر مطلبی با محوریت موضوع زنان به رشته تحریر در آمده است؛ مگر آنکه دسته‌گریخته، مطالبی بر سبیل التزام در احوال زنان مرقوم کرده باشند. در این پژوهش کلیه روزنامه‌های بازمانده از عصر ناصرالدین‌شاه را بررسی کردیم و از آن همه، مقالاتی را با موضوع پزشکی زنان (حفظ‌الصحه خواتین یا نسوان) و بهداشت تولید مثل گزینش کردیم. براساس موضوع مندرجات آنها، مقاله‌ها تفکیک شدند؛ سه مطلب از نشریه شکوفه را هم که بعد از مشروطیت منتشر می‌شد، در این جستار تقریر کردیم. منابع و مدارک ما به این شرح هستند:

تغذیه زنان: ابوالحسن‌خان حکیم باشی. روزنامه علمی. سال ۱، شماره ۳۸، ۲۴ محرم ۱۲۹۵ قمری. ص ۳.
 کودک تازه‌متولدشده: ابوالحسن‌خان حکیم‌باشی. روزنامه علمی. سال ۱، شماره ۳۶، ۱۸ ذیحجه ۱۲۹۴ قمری. صص ۲-۳.
 نطفه انسانی و شکل آن: میرزا نصرت طبیب. روزنامه علمی. سال ۱، شماره ۲۲، ۲۷ جمادی‌الآخر ۱۲۹۴ قمری. صص ۱-۲.
 علمی. سال ۱، شماره ۲۳، ۵ رجب ۱۲۹۴ قمری. صص ۱-۲.
 رحم: میرزا نصرت طبیب. روزنامه علمی. سال ۱، شماره ۲۹، ۱۵ رمضان ۱۲۹۴ قمری. صص ۴.
 پستان: میرزا نصرت طبیب. روزنامه علمی. سال ۱، شماره ۳۰، ۷ شوال ۱۲۹۴ قمری صص ۱-۲.
 سیفلیس: مرض کوفت، عوارض سیفلیس و انواع سیفلیس، شانکر. میرزا نصرالله حکیم‌باشی. روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۳۷، ۱۱ محرم ۱۲۹۵ قمری. صص ۲-۳. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۳۸، ۲۴ محرم ۱۲۹۵ قمری. صص ۱-۳. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۳۹، ۱۵ صفر ۱۲۹۵ قمری صص ۲-۳. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۴۰، ۲۲ صفر ۱۲۹۵ قمری. صص ۱-۴. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۴۳، ۳ جمادی‌الثانی ۱۲۹۵ قمری. صص ۴.
 سوزاک: میرزا نصرالله حکیم‌باشی. روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۴۷، ۷ رجب ۱۲۹۵ قمری. صص ۱-۲. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۴۸، ۱۴ رجب ۱۲۹۵ قمری) صص ۱-۲. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۴۹، ۱۲ شعبان ۱۲۹۵ قمری. صص ۱-۲. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۵۰، ۱۰ رمضان ۱۲۹۵ قمری. صص ۱-۲. / روزنامه علمی. سال ۲، شماره ۵۱، ۴ ذیقعه ۱۲۹۵ قمری. صص ۴.
 نقاهت و بیماری اطفال در وقت درآمدن دندان: "یکی از اطبای تبریز". روزنامه ناصری، شماره ۲۱، غره شعبان ۱۳۱۲ قمری. صص ۱۷۲-۱۷۳.

با انقلاب مشروطیت، زنان هم‌سنگ مردان، پای در عرصه سیاست و اجتماع گذاشتند و منشا تحولات بنیادین بسیاری بودند که از آن جمله می‌توان به توسعه روزنامه‌نگاری زنان در این دوره اشاره کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۲۸ قمری تا ۱۳۰۴ شمسی، هشت نشریه با مدیریت زنان به‌طبع رسید که خط مشی همگی این نشریات، حول محور موضوع "زنان و اطفال" بود. از جمله این نشریات، نشریه شکوفه بود که بیشتر مقاله‌های آن در رابطه با موضوع زنان بود که در این جستار، چند مطلب از میان این نشریه انتخاب و ارایه شده است.

کرده و این حرکت را شبیه به یک نوع برخورد یا احساس به دغدغه نموده‌اند که از راه رفتن عنکبوت در روی جلد بدن حاصل شود و سبب آن این است که چنین تغییر وضع داده، تمام بدن او یا یکی از اعضای وی به دیوار رحم برخورد و اسباب این حالت می‌شود. وقتی که دست سرد بر روی شکم نهاده شود، این حرکات طوری نمایان می‌شود که غالباً با چشم دیده می‌شوند.

طبییب به گوش دادن و دست زدن، وجود جنین را دانسته و صدای قلب بچه را شنیده، این صدا شبیه به صدای ساعتی است که زیر متکا گذارده باشند. در هر دقیقه ۱۱۰ تا ۱۶۰ قرعه است. در ماه پنجم این صدا نزدیک ناف و از آن به بعد در خطی که از ناف به وسط کشاله ران کشیده شود، شنیده می‌شود. اگر عده قرعات از ۱۴۰ به بالا باشد غالباً حدس بر آن می‌توان زد که جنین دختر و اگر کمتر باشد، احتمال می‌رود که پسر باشد.

طول مدت حمل مختلف شده از ۲۶۰ تا ۲۹۰ روز ممکن است باشد. حفظ‌الصحه زنان آستن از این قرار است که باید از سرماخوردگی خود را حفظ نموده و لباس‌های تنگ نبوشیده، زانوبند و کمربند نبسته، کفش‌های تنگ نبوشند. زن‌هایی که چندین دفعه وضع حمل نموده‌اند، از شش ماه به بعد خوب است شکم‌بندی که زیاد فشرده نباشد بسته، در زمستان مخصوصاً شب‌ها از اتاق بیرون نیامده، خود را گرم نگه دارند، غذاهای مقویه خورده به اماله و خوردن مکفیات از بیوست مزاج احتراز جویند و حرکات عنیفه هیچ نکرده خود را خسته نکنند. از ماه چهارم به بعد مکرر ادرار را بدهند دواخانه او را تجزیه کنند تا طبییب از بعضی مرض‌ها که در زمان وضع حمل و بعد از آن ممکن است پیدا شود، پیش‌بندی کرده، دستورالعمل‌های مخصوص قبل از وقت بدهند.

در مملکت فرانسه، بر حسب احصاییات معین کرده‌اند که در هر ۹۲ حمل، یکی توام و در هر ۸۰۰۰ حمل، یکی دیده شده است که سه بچه آورده است؛ از سه بچه بیشتر خیلی به‌ندرت دیده می‌شود و از بچه‌های دوقلو نسبت دو به سه، جنس طفل متحد، یعنی هر دو یا پسرند یا دختر و محقق است که دو قلو سازی تا حدی از [71]...

همچنین در نشریه شکوفه، مقاله‌های دیگری تحت عنوان "حفظ‌الصحه در عوارضاتی که خانم‌ها در ایام حمل مبتلا می‌شوند" در سال سوم شماره‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۱ و در سال چهارم در شماره اول نگاشته شده است.

شیوه دیگر آموزش عمومی، تالیف، تدوین و ترجمه کتاب‌هایی بود که در این عصر به زیور طبع آراسته شده‌اند که از میان آنها، در اینجا چند نسخه به‌ایجاز معرفی می‌شوند:

خرقه بخیه: این کتاب در سال ۱۲۷۶ قمری تالیف شده است [8]. نام "خرقه بخیه" را از اصطلاحات رایج خیاطان برگرفته‌اند. به عبارت دیگر، بخیه، دوختن پارگی است برای فصل یا بخشی بر خرقة‌ای که زخمی یا دچار پارگی شده باشد و این تعبیر کنایه‌آمیز در عنوان این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

تقریباً تمام کتاب "خرقه بخیه" درباره مسایل مربوط به روابط جنسی، تقویت قوای جنسی نزد مردان و زنان و افزایش بهره‌وری در این روابط است، اما در بخش‌های پایانی، سخن از ترک اعتیاد به تریاک و بیماری‌های دستگاه ادراری و مقعد به میان آمده و همچنین از بیماری‌های مقاربتی نیز غفلت نشده است.

امراض مقاربتی: چون در آن زمان امراض مقاربتی شایع شده بود، محمد کرمانشهرانی، کتاب "امراض مقاربتی" را در قرن سیزدهم هجری تالیف کرد. این کتاب مشتمل بر سه سخن است؛ سخن اول در باب نوع واحد باء و انواع متعدد "کوفت" و امراض مقاربتی، سخن دوم در بیان "کوفت" به‌طور عموم و سخن سوم شامل سه

مردها، از قبیل امراضی که در ایام حمل عارض می‌شود یا در حین وضع حمل عارض می‌شود یا در حین وضع حمل مبتلا می‌شوند یا بعد از زاییدن پیدا می‌شود؛ از قبیل امراض رحم و نفاس و صفاق و پستان یا به‌واسطه بدسلوکی قابلگان که شرح مبسوطی دارد که بعد ذکر خواهد شد. پس باید خانم‌های حامله بدانند این مخلوقی که در رحم دارند خلقی است از جنس خود آنها و تا مدتی که در رحم می‌باشند یکی از اعضای مادر حساب می‌شوند، و صحیح می‌باشد به صحت مادر، و مریض می‌شود به مرض مادر. البته زنان حامله تجربه کرده‌اند که هر زمان که مریض می‌شوند، طفل در رحم کم‌حرکت می‌شود و هر چه مرض آنها شدت می‌کند حرکت طفل کمتر می‌شود تا جایی می‌رسد که سقط می‌شود و چقدر از اراض است که از مادر در رحم سرایت می‌نماید. پس ای خانم‌هایی که میل دارید که اطفال شما در شکم سالم باشد و سالم بزایید و سالم شیر بدهید و خودتان سالم باشید، باید حفظ‌الصحه مختصری از برای خانم‌های عزیزم به رشته تحریر درآوریم که خیلی واجب و لازم است [5].

"در سابق ذکر شد که امراض زنان دو ثلث زیادتر از امراض مردان است. اولاً، به‌واسطه تفاوت در خلقت و ترکیب و هیات، زیرا که زنان ظریف‌تر و لطیف‌تر و رقیق‌تر خلق شده‌اند، اسکلت و استخوان‌های آنها دقیق‌تر و نازک، عضلات آنها کوچک و باریک، اندام آنها ضعیف، جلد آنها نرم و تحلیلات آنها بیشتر و احساسات عصبیه آنها زیادتر و بدین واسطه طاقت مصادمات و مصایبای خارجه مانند مردان ندارند. به‌اندک زحمت و مشقت خسته و مانده می‌شوند و به جزیی ناملایمات و اعراضات نفسانی دچار امراض، که در جنس ذکور و اناث هر دو عارض می‌شود و در جنس اناث زودتر عارض می‌شود، در صورتی که با این خلقت لطیف و ظریف که خلق شده‌اند زحمت و مشقت و هم غم آنها زیادتر است. مخصوص بعضی از زنان مملکت مشرق‌زمین که در حقیقت مثل آنها مثل اشخاص محبوس زندانی است در خانه‌های کوچک مرطوب پرجمعیت که به‌واسطه عدم حفظ‌الصحه و استنشاق هواهای راکد کثیف، اغلب علیل و بی‌بنیه و مهموم و مغموم می‌شوند و هرگاه به لطایف و نکات خلقت در نهایت دقت ملاحظه شود، معلوم می‌شود که زنان خلق نشده‌اند از برای مباشرت اعمال شاقه و زحمات بی‌اندازه که خارج از وضع طبیعی و مخالفت ترتیب خلقتی آنها باشد. والا به‌زودی در معرض هلاک خواهد افتاد و صدمن استخوان خواهد شد که صدمن بار بردارد. این نکته پُر واضح است که همان قسم که مردان تفریح و تنفس لازم دارند، همین قسم زنان هم تفریح و گردش و تنفس و راحت لازم دارند. بعضی شاید چنین گمان می‌نمایند که باید زنان داخل در آن آبگینه‌های حفریات زیرخاکی باشند. پس از تمدن و محض تبرع خارج است که در مقام رفاهیت و آسایش و راحت و حفظ‌الصحه، آنها نیز بیابند و مانند وحشیان که به ظلم و استبداد با ایشان حرکت نمایند و اسیروار رفتار نمایند و ایشان را از تربیت و تحصیل علوم بازدارند که اینها چیزهایی است که ضررش به خود مردها برمی‌گردد، زیرا وقتی که علیله و مریضه شد باید مخرج نماید و مداوا نمود، آیا خوب بشود یا نشود و هرگاه تحصیل نکرد، از عهده تربیت و تعلیم فرزندان و اداره‌نمودن خانه و ترتیب امورات کاشانه خود برنیاید [6]."

مقالات طبی و حفظ‌الصحه از فرمایشات جناب مستطاب، آقای *اعلم/لدوله* دامت توفیقاته

آبستنی: از جمله علامات که به‌خوبی دلالت بر آبستنی می‌نماید حرکت جنین است که زن آبستن از ماه ۴ و ۴/۵ به بعد، احساس

طریق معلمان سرخانه به سوادآموزی می‌پرداختند. در این زمینه از شخصی به نام *آخوند طالقانی*، به‌عنوان معلم مخصوص دختران *فتحعلی‌شاه* یاد شده است [10].

عده معدودی از دختران این امکان را داشتند که در محدوده خانه، با استفاده از اعضای باسواد خانواده، مثل پدر یا برادر، سواد بیاموزند. در این زمینه، *هینریش بروگش* گزارش جالبی از اوضاع سوادآموزی عامه مردم، از جمله دختران ارایه می‌دهد: "برای آموزش کودکان و نوجوانان، مکتب‌خانه‌های خصوصی زیادی در محلات تهران وجود داشت که در آنها آخوندهای مکتب‌دار و نیز پسران و زنان مکتب‌دار که غالباً همسران و فرزندان همان مکتب‌دارهای مرد هستند دختران را درس می‌دادند" [11].

آموزش در مدارس نوین: بعد از مشروطیت و از آغاز تاسیس حکومت ملی تا خلع *محمدعلی‌شاه*، بین سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ قمری که جنگ‌های داخلی در ایران شروع شد و حکومت مستبد، آزادی‌خواهان در جنگ و ستیز بود، اقدام مفیدی در راه پیشرفت فرهنگ صورت نگرفت [12، 13]. تنها چند مدرسه ملی مثل، *تدین*، *زرتشتیان* و *ثروت* در تهران دایر شدند [14]. پس از سپری شدن دوره استبداد، مردم نسبت به فرهنگ توجه خاصی نمودند و از طرف عامه، مدارس ملی زیادی در تهران و شهرهای بزرگ تاسیس شد. به‌موجب قانون اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه که مشتمل بر ۳ فصل و ۱۲ ماده بود، و متن آن را در شعبان ۱۳۲۸ قمری، مجلس شورای ملی تصویب کرد، رسیدگی به امور مدارس و تعلیمات در سراسر کشور به وزارتخانه معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه سپرده شد.

رشد و گسترش مدارس جدید در ایران پس از همین سال‌ها آغاز شد. این رشد در ولایات و ایالات مختلف به نسبت وضع اجتماع و شرایط سیاسی هر منطقه در فراز و فرود بود، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که این روند رشد، همه جا رو به گسترش بود. طبق قانون مصوب ۲۸ سنبله ۱۲۹۰ شمسی، برابر با ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری، اجازه افتتاح ۹ باب مدرسه ابتدایی به وزارت معارف داده شد. مواد تصویبی این قانون به شرح ذیل است:

ماده ۱- نه مدرسه ابتداییه که هر یک دارای شش کلاس خواهد بود، به شرح ذیل در مرکز تهران و مراکز ایالات اربعه تاسیس می‌شود: تهران ۵ باب، شیراز، تبریز، مشهد مقدس، کرمان هر کدام یک باب.

برای هر یک از پنج باب مدرسه تهران، ۲۵۰ تومانی که ۱۲۵۰ تومانی است، و برای هر یک از مدارس مراکز ایالت، ۲۰۰ تومانی از طرف دولت داده می‌شود.

ماده ۲- در کلیه کلاس‌های مدارس ابتدایی دولتی پسران، نظر به حال فقرا، نصف از شاگردان مجانی و نصف دیگر با اجرت مختصری که در ماده سوم مذکور است، قبول می‌شوند.

ماده ۳- اجرتی که از شاگردان مدارس ابتدایی گرفته می‌شود، از این قرار است: در کلاس اول و دوم، سالیانه شش تومانی؛ کلاس سوم و چهارم، نه تومانی؛ کلاس پنجم و ششم، دوازده تومانی و از این جمله به‌قسط گرفته می‌شود.

ماده ۴- عده شاگردان هر کلاس متجاوز از ۳۰ نفر نخواهد بود.

ماده ۵- عایدات مدارس مزبور به ابتداییه، تحویل وزارت مالیه شده، به تصویب شورای عالی معارف، به مصرف تکمیل و توسعه مدارس ابتداییه می‌رسد.

در جلسه نهم شوال‌المکرم، مطابق دهم میزان ۱۳۲۹، نسبت به مقرری مصوبه ماده اول معین و مبرهن شد که ۲۵۰ تومانی که از

گفتار و یک خاتمه است. گفتار اول مشتمل بر ۱۵ فصل، گفتار دوم مشتمل بر ۲ فصل و گفتار سوم از ۳ فصل تشکیل شده است. خاتمه دو باب دارد؛ باب اول، ۲ سخن و باب دوم، از ۲ جزء تشکیل شده است: "اقسام بروز کوفت؛ شانکر نرم و ساده و ملحقات آن در سوزنک مردان و زنان و امراض که به آن ترکیب شوند، خاتمه در نسخه‌جات متعلقه به امراض مذکوره می‌باشد".

تعلیم القوابل: در آن روزگار به‌منظور آموزش ابتدایی ماندگاری مادر و فرزند کتاب "تعلیم القوابل" (آموزش مامایی در عصر قاجاریه) را دکتر *هاروتیون تریاکیان* برای قابله‌ها به زبان فرانسه نگاشت [9]. دکتر *زبردست‌خان* که یکی از شاگردان نگارنده کتاب بود، آن را به فارسی ترجمه کرد. عاقبت به همت *محمدعلی بن حاج شمس‌الکتاب*، کتابت یافت. این اثر در سه مجلد: ۱- کتاب اول در موضوع حمل، ۲- کتاب دوم در موضوع قابله‌گری، ۳- کتاب سوم در موضوع تب نفاسی طبیعی و در مجموع در ۱۴۳ صفحه، با ابعاد ۱۷×۱۰ سانتی‌متر و با جلد مقوایی، رویه گالینگور مشکی- زرشکی، در سال ۱۳۲۱ قمری چاپ سنگی شده است و نسخه‌ای از آن به شماره ۵۰۳۴-۶، با کد ۷۷۸۹۹۶ و شماره رده‌بندی ۵۰۳۴.۱۵۰۳۴.۱۵۵۶۰، در گنجینه نسخ خطی و نادر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ثبت و ضبط است.

تدبیرالحوامل: کتاب "تدبیر الحوامل" به‌قلم *محمدسلیم*، فرزند *محمدصفی جوانشیر قره‌باغی*، در سال ۱۳۱۱ قمری مطابق با سال چهل‌وهفتم سلطنت *ناصرالدین‌شاه قاجار*، به رشته تحریر درآمد و در همان سال با همراهی و مساعدت‌های *علیق‌خان مخبرالدوله* وزیر معارف، *نصره‌السلطنه امیرتومان* و وزیر مسکوکات کل ممالک محروسه ایران، و *محمدولی‌خان*، با کتابت *علی‌اکبر طالقانی* و تصویرگری *مصطفی*، با چاپ سنگی، در ۵۹ صفحه به ابعاد ۲۱×۱۵ سانتی‌متر، به خط نستعلیق، جلد مقوایی با روکش کاغذی منقوش و عطف تیماج قهوه‌ای و با سرفصل‌های امورات ضروریه صحت، حرکت و سکون، مسکن و هوا، ملبوس (رخت و پوشاک)، غذا (قوت و خوراک)، تغسیل و استحمام، جماع، عوارضات موثره در وجود حامله، ویار، قی، سیلان بزاق، بواسیر، دوالی (واریس)، تهیج (آماسیدن، باد، ورم‌کردن)، سقط جنین و غیره، نگارش یافت و در مطبعه *آقامیرزا حبیب‌الله*، به‌طبع رسید.

چنانکه از نام این اثر پیدا است، آن را برای زنان حامله نگاشته‌اند. نویسنده در مقدمه هدف از نگارش کتاب را این‌گونه بیان می‌کند: "چون به‌واسطه نبودن طبیب زنانه و تالیف‌نشدن کتابی برای تدبیر حامله در ممالک محروسه ایران، خوانتین محترم مخصوصاً مخدرات آنها در زمان حمل از ابتدای تکوین جنین تا موقع وضع حمل، گاهی از صدمات بارگران حمل و گاهی از تدابیر باطله هر جاهل بی‌تجربه و قابله عجوزه، مبتلای زحمت و گرفتار مرارت می‌باشند، این بنده، این رساله موسوم به *تدبیرالحوامل* را تالیف کردم". نسخه‌ای از این کتاب به شماره ۱۸۳۶۵-۶، و با شماره کتاب‌شناسی ملی ۲۶۶۰۴۰۳، در گنجینه نسخ خطی و نادر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ثبت و ضبط است.

آموزش‌های عمومی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس نوین

آموزش در مکتب‌خانه‌ها: استفاده از معلمان سرخانه و مکتب‌خانه، از شایع‌ترین راه‌های آموزش دختران در جامعه عهد قاجار بود. اما از آنجا که طبقات محروم، استطاعت پرداخت حق‌الزحمه معلمان سرخانه را نداشتند، معلمان بیشتر در خدمت زنان و دختران خاندان‌های درباری و اشراف بودند. بنابر شواهد موجود، زنان حرمسرای شاهی، از دوران *فتحعلی‌شاه* تا اواخر دوران قاجار، از

طرف دولت داده می‌شود، ماهیانه است" [15].

همچنین با تصویب قانون وزارت معارف در ۹ آبان ۱۳۲۹ قمری، به موجب ماده ۳: تعلیمات ابتداییه برای عموم ایرانیان اجباری است.

ماده ۵: هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتداییه وادارد، اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه.

ماده ۸: مکاتب و مدارس بر دو قسم است: رسمی و غیررسمی؛ رسمی آن است که از طرف دولت دایر شده باشد، غیررسمی آن است که بانی مخصوصی داشته باشد" [16].

این مصوبات تحول نوینی در بسط و توسعه مدارس داشت [12]. همچنین مقرر شد، سالی ۳۰ نفر جوان ایرانی برای تحصیل در فنون مختلف به فرانسه و انگلستان اعزام شوند [17]. در داخل کشور نیز، از سال ۱۳۲۹ قمری آموزش ابتدایی برای تمام اطفال از سن ۷ سالگی اجباری باشد. با وجود آمدن این قانون، نهضتی در تمام ایران شروع شد؛ مدارس جدید در اقصی نقاط کشور تاسیس شدند و برای هر یک از مدارس تهران ۲۵۰ تومان و برای هر یک از مدارس شهرستانها ۲۰۰ تومان کمک هزینه قرار دادند؛ پس از آن در تعدادی از شهرها نیز مدرسی ایجاد شد [15]. مدرسه صنایع مستظرفه نیز پس از این جریانها، به ریاست *کمال الملک* (محمد غفاری) تاسیس شد. از اقدامات مهم دیگر در آن سالها، تصویب قانون اعزام محصل به خارج از کشور و تدوین برنامه مدارس متوسطه بود [18].

بودجه مدارس: پس از به‌ثمرنشستن مشروطیت در سال ۱۳۲۷ قمری، بودجه وزارت معارف ۱۱۹۱۵۴۰ قران تعیین شد؛ از این مبلغ، ۳۹۱۶۵۰ قران به مصرف دارالفنون، ۱۱۳۶۰۰ قران به مصرف مدرسه نظام، ۵۹۵۸۰ قران اضافه اعانه مدارس ملی، ۱۲۲۰۰۰ قران اعانه مدارس اروپایی، ۳۸۳۵۰ قران برای تحصیل شاگردان ایرانی در اروپا و ۲۷۵۰ قران اعانه مدارس ایرانی خارج از ایران بود. در سال ۱۳۲۹ قمری، از تمام ایران، ۷۶ مدرسه ابتدایی پسرانه و ۴۷ مدرسه ابتدایی دخترانه فقط مختص تهران بود. دولت، سایر مدرسی را که در ولایات بودند اداره نمی‌کرد و فقط به آنها اعانه می‌داد [19]. بودجه وزارت معارف و تعداد مدارس در تهران و ولایات را دولت مدام می‌افزود و هر سال بر بسط امور معارف اهتمام داشت. هر روز احتیاج مردم و کشور به معارف محسوس‌تر می‌شد و وزرا هم در این دوران گام‌های مهمی در راه توسعه معارف برمی‌داشتند. با برخاستن این نهضت، مردم هم با امکانات شخصی به تاسیس مدارس پرداختند.

با همه این اوصاف، عمده ترقی مدارس ایران از سال ۱۳۳۶ قمری / ۱۲۹۷ شمسی شروع شد و اساس معارف برپایه محکمی گذاشته شد و چند مدرسه عالی دارالمعلمین و ۴۰ مدرسه ابتدایی مجانی در تهران دایر شد. بودجه این مدارس در سال ۱۲۹۶ شمسی، ۱۳۴۴۱۵۶ قران و در سال ۱۲۹۷، بالغ بر ۲۶۰۰۳۶۸ قران شد. در این سال تعداد مدارس متوسطه و ابتدایی در ایران به ۲۹۵ باب رسید [17].

بدین ترتیب مدارس دخترانه نیز تا حدودی با شرکت و فعالیت زنان در امور مختلف سیاسی و اجتماعی و با تاسیس انجمن‌ها بعد از دوره مجلس اول رو به فزونی گذاشت. جلسات این انجمن‌ها اکثراً به مسایلی از قبیل لزوم آگاهی زنان، شرکت در امور خیریه و تاسیس مدارس دخترانه بود. به هر حال فعالیت زیادی در ارتباط با تربیت دختران و تاسیس مدارس انجام گرفت. در روزنامه "ایران نو" که هم‌زمان با تاسیس این مدارس منتشر می‌شد، اعلان‌های

متعددی در این رابطه نشر یافته است [11].

در سال ۱۳۲۱ قمری، *حسن رشیدی* در مجرای خانه خود مدرسه پرورش دختران را با مدیریت *طوبی رشیدی* تاسیس کرد و مورد استقبال قرار گرفت. روز چهارم تاسیس، ۱۷ شاگرد داشت، اما فراشان دولتی تابلو را با فحش و تهدید برداشتند و مدرسه را منحل کردند.

در سال ۱۳۲۶ قمری *بانو طوبی آزموده* به مساعدت و همراهی‌های معنوی رشیدی، مدرسه *ناموس* را در خیابان شاهپور، نزدیک چهارراه حسن‌آباد تاسیس کرد. مدرسه مورد استقبال همگان بود. در نظام‌نامه مدرسه ثبت است که همیشه یکی از دختران رشیدی معلم آنها خواهد بود.

در سال ۱۳۲۷ قمری، مدرسه *عفاف* در سه‌راه *عودلاجان* با مدیریت *علویه رشیدی* تاسیس شد. همچنین در این سال مدرسه تربیت دختران به مدیریت *طوبی رشیدی*، در "چهارسو چوبی" در دروازه‌قزوین تاسیس شد و هر دوی این مدرسه‌ها، از مدارس خوب شهر محسوب می‌شدند.

مدرسه *شمس‌المدارس*، به مدیریت *خانم عطایی* در خیابان *عین‌الدوله*، مدرسه *حجاب* به مدیریت *همسر برادر میرزا حسن رشیدی*، در گذر *معیر* در سال ۱۳۲۹ قمری، مدرسه *صدوقی* در گذر *مستوفی* و مدرسه *خیرات‌الحسان* به مدیریت *علویه رشیدی*، *همسر میرزا حسن رشیدی* در پاچنار تاسیس شدند.

مؤلف کتاب "اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی" درباره توسعه مدارس بعد از مشروطیت می‌نویسد:

"تعداد زیادی مدرسه متوسطه ذکور و اناث و عالی در داخله مملکت دایر شد و سال به سال بر تعداد آنها افزوده می‌شد که به‌هیچ‌وجه قابل قیاس با قبل از ادوار گذشته نیست. برای مدارس هر سال لوازم و تجهیزات نو خریداری می‌شد، بناهای جدید و جالب در اطراف و اکناف مملکت و حتی برای ایرانیان در سایر کشورها ساخته شد (تصویر ۳).



تصویر ۳) عکس محصلین در محوطه مدرسه ایرانیان در بادکوبه با مربیان

معلمان دانا و بصیر استخدام شدند و مدارس عالییه مانند طب و حقوق و دارالمعلمین و مدرسه صاحب‌منصبی نظام و مدرسه فلاح و دندان‌سازی و دواسازی و قابلیت و صنایع ظریفه و موسیقی هر سال نسبت به سال گذشته کامل‌تر و عده معلمین و شاگردان آن بیشتر شد (تصویر ۵ و ۶)، شعبه تجارت در مدرسه عالی حقوق دایر شد، مدرسه عالی فلاح با معلمین اروپایی افتتاح و عده متناهی معلمین اروپایی برای مدارس متوسطه و عالییه استخدام شدند" [20].

تعلیم حفظ‌الصحه نسوان (آموزش‌های رسمی بهداشت و سلامت زنان و دختران) قبل از انقلاب... ۱۷۷

مضرات زیاد خوردن و آشامیدن، مشق خط (به صورت ابتدایی)، جغرافیا و حساب (جمع و تفریق اعداد یک‌رقمی و دورقمی، شماره لفظی و خطی اعداد) و اخلاق. در سال سوم دروسی مانند رسم، سیاق، هنر (بافتگی و خیاطی)، وظایف خانه‌داری و حفظ‌الصحه و در سال چهارم طب‌اخ‌ی، در سال پنجم دستور زبان فارسی، تاریخ و هندسه اضافه شد. با بالا رفتن سطح کلاس متعلمان، بر حجم دروس هم افزوده شد [11].



تصویر ۶) عکس محصلین شهرستان میانه در سال ۱۳۱۷

در سال‌های بعد دروس بهداشت عمومی، در مدارس ملی و دولتی گنجانده شد و بدین ترتیب، طبق صورت جلسه بیست‌ونهم شورای عالی معارف که در روز ۳ سرطان (تیر) ۱۳۰۲ شمسی/۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۴۱ قمری به ریاست حکیم‌الدوله، وزیر معارف سیدمحمد تدین و علی‌اکبر دهخدا منعقد شد، به تصویب رسید. براساس این تصمیم، در درس علم‌الاشیا و حفظ‌الصحه، برای کلاس سوم اطلاعات ساده‌ای از بدن انسان، نژادهای عمده انسان و تمدن آن و در بخش حفظ‌الصحه صحت و مرض، خواب و بیداری، حرکت و سکون، هوا و آب، سرما و گرما، فصل‌های اربعه و مناطق مختلفه، ساعات شبانه‌روز و تقسیم آن برای امور زندگانی، آب مشروب و فاسد، اغذیه و اشربه مفید و لازمه، اغذیه و اشربه مضره، منزل و شرایط محل سکنی گنجانده شد [22].

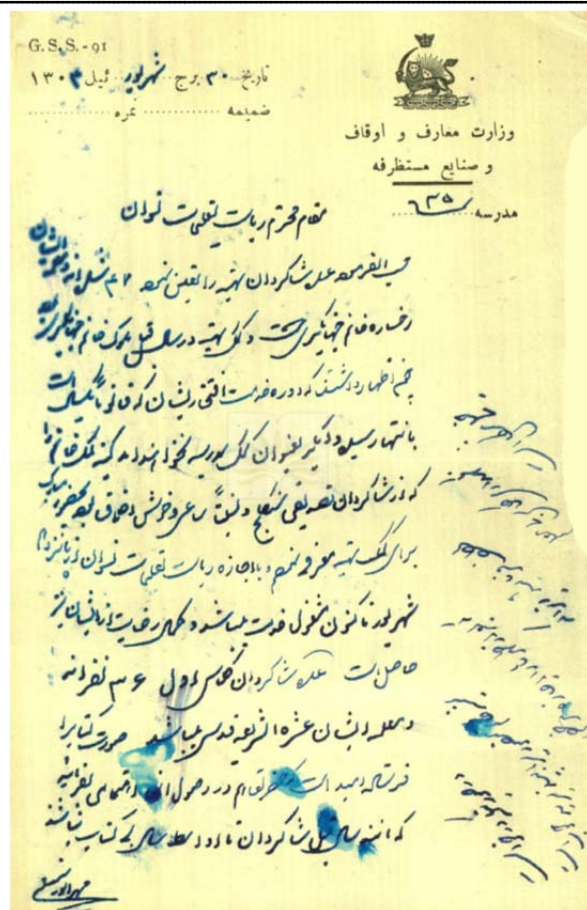
در سال ۱۳۰۳، طبق دستور تعلیمات متوسطه نسوان، درس حفظ‌الصحه و بچه‌داری از کلاس اول تا پنجم در دو بخش "حفظ‌الصحه و بچه‌داری" و با سرفصل‌های ذیل تدریس می‌شد:

حفظ‌الصحه: در سه سال اول، اعمال قواعد حفظ‌الصحه: ۱- امراض؛ فرض میکروب و وسایل جلوگیری از تاثیر آن، ضدعفونی‌کردن، ۲- هوا، تهویه، خطر گردوخاک، ۳- نور و اهمیت آن برای سلامتی، ۴- شرایط آب مشروب، مشروبات و ادویه مضره، ۵- قناعت در غذا ۶- نظافت جسمانی بدن و مسکن.

بچه‌داری: ۱- مواظبت‌های لازم طفل جدیدالولاده، ۲- نظافت لباس و گهواره، ۳- غذای طفل جدیدالولاده و شیردادن، شیردادن مادر و طریق آن، شیردادن به‌وجه مصنوعی، حفظ شیر از فساد، دادن شیر انسانی و حیوان، شیر دایه، ۴- مواظبت‌های لازم سال اول، مواظبت راجع به شیردادن طفل، نمو طفل جدیدالولاده، آبله‌کوبی طفل، اولین گردش، دندان‌های اولیه، ورزش و قدم‌های اولیه، بازگرفتن طفل از شیر، غذای طفل پس از بازگرفتن از شیر، تربیت اولیه

در سال پنجم نیز شاگردان مسن‌تر تحت نظر معلمات، مطابق پروگرام مذکور در فوق، ضمیمه دروس حفظ‌الصحه می‌گفتند.

سپس در سال ۱۲۹۸ شمسی/ ۱۳۳۷ قمری، میرزا احمدخان نصیرالدوله، وزیر معارف مدرسه متوسطه دختران فرانسوی، موسوم به "فرانکو پیرسان" را که در سال ۱۳۲۳ قمری دایر شده بود، تبدیل به دارالمعلمات نمود و مقرر داشت که ۱۰ نفر از شاگردان مدرسه، هفته‌ای سه روز به مریض‌خانه نسوان بروند و به تحصیل قابلیتگی و امراض نسوان مشغول شوند. دوره دارالمعلمات پس از اخذ



تصویر ۴) سند معلمین افتخاری مدارس نسوان

مواد درسی مدارس ابتدایی نسوان: مواد درسی مدارس ابتدایی در سال‌های آغازین مشروطیت شامل فارسی، عربی، حساب و هندسه، سیاق، جغرافی، شریعیات و هنر (قالی‌بافی، کاموادوزی، خانه‌داری) بود [21]. در سال ۱۲۹۸ شمسی/ ۱۳۳۷ قمری در زمان وزارت احمدخان نصیرالدوله، و با نظر او، بررسی‌هایی روی تعلیمات و دروس مدارس ابتدایی دختران صورت گرفت (تصویر ۵).



تصویر ۵) محصلین یکی از مدارس دخترانه

پس از تجدید نظر، قرار بر این شد که اداره کل معارف، تدریس دروس را با در نظرگرفتن سال‌های مختلف تحصیلی، از سال اول تا سال ششم، از برج میزان (مهرماه) ۱۲۹۷ شمسی به اجرا بگذارد. مواد درسی این دوره عبارت بود از فارسی (شامل قرائت، کتابت، تمرین)، شریعیات (آداب نماز، اطاعت از خدا و پیامبر)، اخلاق، علم‌الاشیا (تعلیم شفاهی، اطلاعات بسیار ساده راجع به بدن انسان، اسامی ایام هفته، ماه‌ها و فصول، اشجار، غلات و حبوبات) حفظ‌الصحه (به صورت شفاهی، نصایحی در ارتباط با پاکیزگی،

- 6- Mozayyanosaltaneh M. Shokofeh Newspaper. 1952;1(8):2. [Persian]
- 7- Alamodoleh A. Shokofeh Newspaper. 1954;3(6):4. [Persian]
- 8- Alinaghi-Sharif MMI, Shamloo MG. Zadolmosaferin, Khergheh Bakhiyeh. Tehran: Research Institute for Islamic and Complementary Medicine; 2003. 287p. [Persian]
- 9- Taryakian H. TalimolGhavabel: Midwifery training in Qajar. Tehran: Sarem Book; 2014. p.94. [Persian]
- 10- Sheil MLW. Glimpses of life and manners in Persia. Aboutorabian H, translator. Tehran: Nashre No; 1989. 279p. [Persian]
- 11- Takmil Homayoon N. constitutionalism in Iran. Tehran: Baz; 2004. p. 374. [Persian]
- 12- Kani A. Iran Cultural Organization. Tehran: Tehran Universiti Press. 1954. p. 20. [Persian]
- 13- Teymorifard A, Rahimi M. Hamadan education in Iran's modern education system at beginning of the third period in Documents (1927-1993). Hamadan: West Management National Archives of Iran; 1994. p. 11. [Persian]
- 14- GhasemiPoya E. Modern Schools in Qajar era, Initiators and Pioneers. Tehran: Markaze Nashre danshgahi; 1998. p.237. [Persian]
- 15- Birshak A, Zamani M. Economics of Education during the Pahlavi era. Tehran: Anonymous Publisher; 1976. pp. 12-3. [Persian]
- 16- Hekmat AA. Ministry of Education. In: Iranshahr. Unesco-Iran, Iran-shahr; a survey of Iran's Land, people, culture, gverment and economey. 2th volume. Tehran: National Commission of UNESCO; 1963. p.1171. [Persian]
- 17- National Library and Archives of Iran. Accession No.297000369. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 18- Sarmad GA. Sending students abroad in the Qajar period. Tehran: Bonyad; 1993. p. 104. [Persian]
- 19- National Library and Archives of Iran. Accession No.51008. Tehran: National Library and Archives of Iran. [Persian]
- 20- Torabi Farsani S. Some records on girl's schools from constitution to Pahlavi dynasty. Tehran: National Library and Archives of Iran; 1999. p. 227. [Persian]
- 21- Anonymous writer. Iran-e-no. 1910 Jan 19. 1(114). p. 4. [Persian]
- 22- Supreme Council meetings. 1883-1884. [Persian]
- 23- The form of talks and meetings of the Supreme Council of the First Segment from 14 July to 72th session in 19 March 1927. [Persian]
- 24- Mahbobi Ardekani H. History of New Civilization Institutions in Iran. Tehran: Tehran University Press; 1992. pp. 416-7. [Persian]
- 25- Roshdiyeh S. Life disasters. Tehran: Tarikhe Iran Publication; 1984. p.148. [Persian]

تصدیق‌نامه شش‌ساله ابتدایی، چهار سال بود که سه سال اول دروس متوسطه تدریس می‌شد و شاگردان در سال چهارم اصول تعلیم و تعلم را فرا می‌گرفتند. این آموزش‌ها پایه و اساس "مدرسه قابلیت" شد که آن را در سال‌های بعد با نام "مدرسه عالی مامایی" می‌خواندند که در شماره آینده دانشنامه صارم، موضوع مقاله دیگری خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تا پیش از انقلاب مشروطه، در تهران و مرکز ایالات ایران، تعداد بسیار اندکی مدرسه ملی و دولتی برای آموزش دختران، با همت دوستداران معرفت تاسیس شده بود، اما نزد اطباء تحصیل‌کرده در زمینه بهداشت و به‌ویژه بهداشت مادران و کودکان، نیاز به گسترش دانش روز، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. طبیبان برای ارتقای دانش بهداشت عمومی و آگاهی عموم نساوان با رویکرد آموزش‌های نوین از طریق؛ ۱- مقالات علمی مندرج در نشریات، ۲- تالیف و ترجمه کتاب و ۳- آموزش‌های عمومی در مکتب‌خانه‌ها و مدارس جدید، حرکتی جدید را آغاز کردند. همین آموزش‌ها، ابتدای مسیری بود که در سال‌های بعد زمینه‌ساز تاسیس مدرسه قابلیت و مدرسه عالی مامایی شد.

تشکر و قدرانی: نگارنده از همکاری صمیمانه سرکار خانم‌ها/انسیه شیخ رضایی (مدیر محترم گروه تنظیم و پردازش اسناد دیداری و شنیداری) و معصومه عماری (کارشناس گروه مذکور، به پاس بازیابی و انتخاب عکس‌های متن) و سرکار خانم الهام حاتم‌ی باجگیران (به واسطه مقابله متنی مقاله) کمال امتنان را دارد.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: علی کریمیان (نویسنده اول)، همه موارد مربوط به مقاله توسط ایشان انجام شده است (۱۰۰٪).

منابع مالی: موردی از سوی نویسنده گزارش نشده است.

منابع

- 1- Namjooynik K. The history of military medicine. Tehran: Iran-e-Sabz; 2009. p.78. [Persian]
- 2- Saremi A. Initiation of IVF in Iran. Tehran: Sarem Book; 2014. p.20. [Persian]
- 3- Tehran University of Medical Sciences. Analytical report of 4 year performance: (on the occasion of the 70th year of establishment of the Terhran University of Medical Sciences 1935-2009). Tehran: Tehran University Press; 2009. pp. 17-8. [Persian]
- 4- Mozayyanosaltaneh M. Shokofeh Newspaper. 1952;1(4):3. [Persian]
- 5- Mozayyanosaltaneh M. Shokofeh Newspaper. 1952;1(5):2. [Persian]